

مائو تسه دون

مسایل استراتژی
در جنگ انقلابی چین

اداره نشریات زبانهای خارجی

پکن

www.KetabFarsi.com

مائو تسه دون

مسایل استراتژی
در جنگ انقلابی چین

I. S. A.
Denton

اداره نشریات زبانهای خارجی

پکن ۱۹۶۷

توضیح ناشر

ترجمه فارسی « مسایل استراتژی در جنگ انقلابی چین » منطبق است با متن اصلی از جلد اول « آثار منتخب مائوتسه دون » که از طرف اداره نشریات « مردم » در اوت ۱۹۵۲ در پکن به چاپ رسیده است .

طبع و نشر جمهوری توده‌ای چین

این اثر را رفیق مائو تسه دون بمنظور جمع‌بندی تجارب دومین جنگ انقلابی داخلی نگاشته و در آکادمی ارتش سرخ در شنسی شمالی تدریس نموده‌است . از این اثر بیش از پنج فصل تمام نشده‌است . رفیق مائو تسه دون بعلت اینکه در حادثه سی‌ان سخت گرفتار بود ، موفق نشد فصل‌های مربوط به تعرض استراتژیک ، کار سیاسی و مسایل دیگری را که در نظر داشت ، برشته تحریر درآورد . این اثر نتیجه بحث‌های حادی است که در دوران دومین جنگ انقلابی داخلی در حزب میان دو مشی متضاد بر سر مسایل نظامی در گرفت و بیان‌کننده نظرات یکی از این دو مشی علیه دیگری است . جلسه وسیع بوروی سیاسی کمیته مرکزی در ژانویه سال ۱۹۳۵ در زون‌ای به مشاجراتی که بین این دو مشی نظامی در گرفته بود فیصله داد ، صحت نظرات رفیق مائو تسه دون را تأیید نمود و مشی

فادرست را رد کرد . در اکتبر سال ۱۹۳۵ کمیته مرکزی حزب به شنسی شمالی انتقال یافت و در دسامبر همان سال رفیق مائوتسه دون گزارشی تحت عنوان « درباره تاکتیک مبارزه علیه امپریالیسم ژاپن » عرضه داشت که در آن مسایل مربوط به مشی سیاسی حزب را در دوران دومین جنگ انقلابی داخلی بطور منظم حل کرده بود . یک سال بعد یعنی در دسامبر سال ۱۹۳۶ رفیق مائوتسه دون اثر حاضر را که تحلیلی منظم از مسائل استراتژی در جنگ انقلابی چین است ، برشته تحریر درآورد .

کمیسیون کمیته مرکزی حزب کمونیست چین
برای طبع و نشر آثار منتخب مائوتسه دون

فهرست

فصل اول

- ۱ چگونه باید جنگ را مطالعه کرد ؟
- ۱ - ۱ قوانین جنگ رشد یابنده اند
- ۱۰ - ۲ هدف جنگ برانداختن جنگ است
- ۳ - ۳ استراتژی مطالعه قوانین وضع جنگ بمشابه یک
کل است
- ۱۲
- ۲۰ - ۴ سهم اینست که بتوانیم یاد بگیریم

فصل دوم

- ۳۴ حزب کمونیست چین و جنگ انقلابی چین

فصل سوم

- ۴۲ ویژگیهای جنگ انقلابی چین
- ۴۲ - ۱ اهمیت موضوع
- ۴۵ - ۲ ویژگی های جنگ انقلابی چین کدامند؟

۳- استراتژی و تاکتیک ما از این ویژگیها
ناشی میشود

۵۳

فصل چهارم

عملیات «محاصره و سرکوب» و عملیات
متقابل علیه آن - شکل عمده جنگ داخلی

۵۸

چین

فصل پنجم

دفاع استراتژیک

۷۱

۱- دفاع فعال و دفاع غیر فعال

۷۱

۲- تدارك برای مقابله با عملیات «محاصره

و سرکوب»

۸۱

۳- عقب نشینی استراتژیک

۸۸

۴- تعرض متقابل استراتژیک

۱۲۳

۵- آغاز تعرض متقابل

۱۲۸

۶- تمرکز قوا

۱۵۱

۷- جنگ متحرك

۱۶۸

۸- جنگ زود فرجام

۱۸۲

۹- جنگ نابود کننده

۱۹۱

فصل اول

چگونه باید جنگ را مطالعه کرد ؟

۱- قوانین جنگ رشد یابنده‌اند

قوانین جنگ مسئله‌ایست که هر کس که جنگی را هدایت میکند، باید آنرا مطالعه و حل نماید. قوانین جنگ انقلابی مسئله‌ایست که هر کس که جنگی انقلابی را هدایت میکند، باید آنرا مطالعه و حل نماید.

قوانین جنگ انقلابی چین مسئله‌ایست که هر کس که جنگ انقلابی چین را هدایت میکند، باید آنرا مطالعه و حل نماید.

ما اکنون در حال جنگیم ؛ جنگ ما جنگی است انقلابی ؛ جنگ انقلابی ما در چین صورت

میگیرد ، یعنی در کشوری نیمه مستعمره و نیمه
فئودالی ، از اینرو ما نه فقط باید قوانین عام جنگ را
مطالعه کنیم بلکه باید قوانین ویژه جنگ انقلابی
و قوانین ویژه‌ای را که فقط مختص جنگ انقلابی
چین است ، نیز مورد بررسی قرار دهیم .

بر هیچکس پوشیده نیست که هرکاریکه ما میکنیم ،
اگر حالات ، خصلت و روابط آنرا با اشیاء و
پدیده‌های دیگر در نیاییم ، نمیتوانیم قوانین مسلط
بر آنرا بشناسیم و نمیدانیم که چگونه بان پردازیم و
قادر نخواهیم بود آنرا بنحو احسن انجام دهیم .

جنگ که با پیدایش مالکیت خصوصی و طبقات
آغازیدن گرفته‌است ، عالیترین شکل مبارزه برای حل
تضادهای بین طبقات ، ملتها ، دولتها و گروههای
سیاسی است که بمرحله تکامل معینی رسیده‌اند . اگر
ما شرایط جنگ و خصلت و روابط آنرا با اشیاء و
پدیده‌های دیگر در نیاییم ، قوانین جنگ را نخواهیم
شناخت ، بطرز هدایت جنگ پی نخواهیم برد و
قادر به کسب پیروزی نخواهیم بود .

جنگ انقلابی - خواه جنگ انقلابی طبقاتی
و خواه جنگ انقلابی ملی - علاوه بر شرایط و خصصت
عام جنگ ، شرایط و خصصت خاص خود را نیز داراست .
بنابر این جنگ انقلابی ، گذشته از قوانین عام جنگ ،
دارای قوانین ویژه نیز هست . بدون درك شرایط
و خصصت خاص این جنگ ، بدون درك قوانین ویژه
آن نمیتوان جنگ انقلابی را هدایت کرد و به
پیروزی دست یافت .

جنگ انقلابی چین - خواه جنگ داخلی و خواه
جنگ ملی - در محیط خاص چین صورت میگیرد
و بدینجهت دارای شرایط و خصصت خاص خود است
و با جنگ بطور اعم و یا با جنگ انقلابی بطور اعم
تفاوت دارد . از اینرو جنگ انقلابی چین علاوه بر
قوانین عام جنگ و قوانین عام جنگ انقلابی دارای
قوانین ویژه خویش نیز هست . بدون درك این قوانین
نیل به پیروزی در جنگ انقلابی چین غیر ممکن است .
بدینجهت ما باید قوانین عام جنگ و قوانین
جنگ انقلابی و بالاخره قوانین جنگ انقلابی چین

را مورد مطالعه قرار دهیم .

بعضی‌ها نظر نادرستی دارند که مدتها پیش از طرف ما رد شده‌است . آنها میگویند تنها مطالعه قوانین عام جنگ کافی است ، عبارت مشخص‌تر ، تنها پیروی از آئین‌نامه‌های نظامی که در چین از طرف دولت ارتجاعی و یا آکادمی‌های نظامی ارتجاعی انتشار یافته ، کفایت میکند . آنها درک نمیکنند که این آئین‌نامه‌ها فقط به بیان قوانین عام جنگ میپردازند و بعلاوه از ابتدا تا انتها از مراجع خارجی نسخه برداری شده‌اند و ما اگر آنها را آنطوریکه هست ، بدون تغییر مضمون و شکل کپی کنیم و مورد استفاده قرار دهیم ، در حکم این خواهد بود که بخواهیم ”پاهارا اره کنیم تا اندازه کفش شود“ ؛ این کار ما را مسلماً بشکست میکشاند . این اشخاص در توجیه نظر خویش میگویند : چرا ما باید از آنچه در گذشته بیسهای خون بدست آمده ، اعراض کنیم ؟ آنها درک نمیکنند که ما اگر چه باید بر تجربه‌ای که در گذشته بیسهای خون بدست آمده ، ارج نهیم ، ولی باید

برای تجربه‌ای که پیمهای خون خود بدست آورده‌ایم، نیز ارزش قایل شویم .

بعضی‌ها نظر نادرست دیگری دارند که ایضاً مدتها پیش از طرف ما رد شده‌است . آنها ادعا میکنند که فقط مطالعه تجربه جنگ انقلابی روسیه کافی است ، عبارت مشخص‌تر ، کافی است که ما از قوانینی که جنگ داخلی اتحاد شوروی طبق آن هدایت شده‌است ، پیروی کنیم و بدنبال آئین‌نامه‌های نظامی برویم که از طرف ارگانهای نظامی این کشور انتشار یافته‌اند . آنها درک نمیکنند که این قوانین و این آئین‌نامه‌ها خصالت ویژه جنگ داخلی ارتش سرخ اتحاد شوروی را منعکس میسازند و اگر آنها را آنطوریکه هست ، بدون هیچگونه تغییری کپی کنیم و مورد استفاده قرار دهیم ، باز در حکم آن خواهد بود که بخواهیم ”پاها را اره کنیم تا اندازه کفش شود “ ؛ این کار نیز ما را مسلماً بشکست میکشاند . این اشخاص در توجیه نظر خویش میگویند : جنگ ما ، مانند جنگ اتحاد شوروی ، جنگی است انقلابی و اتحاد شوروی در این جنگ

پیروز شده است ، بنابراین چگونه میتواند شق دیگری
بجز پیروی از الگوی شوروی وجود داشته باشد ؟
آنها درك نمیکنند که ما اگر چه باید برای تجربه
نظامی اتحاد شوروی ، از آنجهت که تازه‌ترین تجربه
جنگ انقلابی است ، تجربه ایست که تحت رهبری
لنین و استالین بدست آمده ، ارزش خاصی قایل شویم ،
به تجربه جنگ انقلابی چین نیز باید ارج بگذاریم
زیرا در اینجا عوامل بسیاری هست که خاص انقلاب
چین و ارتش سرخ چین میباشد .

بعضی‌ها باز نظر نادرست ثالثی دارند که بهمین
ترتیب مدتها پیش از طرف ما رد شده است . آنها
میگویند : گرانبهاترین تجربه ، تجربه لشگرکشی بشمال
(۱۹۲۷ - ۱۹۲۶) است و ما باید از آن بیاموزیم ،
بعبارت مشخص‌تر ، ما باید از لشگرکشی بشمال در
مورد هجوم مستقیم و تصرف شهرهای بزرگ تقلید کنیم .
آنها درك نمیکنند که ما در عین اینکه باید
تجربه لشگرکشی بشمال را مورد مطالعه قرار دهیم ،
نباید آنرا بطور مکانیکی کپی کنیم و بعمل در آوریم ،

زیرا شرایط جنگ کنونی ما دیگر تغییر کرده است .
ما باید از تجربه لشگرکشی بشمال فقط آن چیزی را
بپذیریم که امروز هنوز بتواند بکار آید ، و باید برحسب
موقعیت کنونی چیزی ایجاد کنیم که از خود ما باشد .
بنابراین قوانین هدایت جنگ برحسب شرایط
جنگ ، برحسب زمان و مکان و خصالت جنگ تغییر
می پذیرد . اگر عامل زمان را در نظر بگیریم ، می بینیم
که جنگ و قوانین هدایت جنگ با زمان رشد می یابند .
هر مرحله تاریخی دارای ویژگیهای خاص خود است
و از اینرو قوانین جنگ نیز در هر مرحله تاریخی دارای
ویژگیهای خاص خود هستند و نمیتوانند بطور مکانیکی
به مرحله دیگر منتقل شوند . اگر جنگ را از لحاظ
خصالت آن در نظر بگیریم ، می بینیم که چون جنگ
انقلابی و جنگ ضد انقلابی هر دو دارای ویژگیهای
خاص خود هستند ، قوانین حاکم بر آنها نیز هر یک
ویژگیهایی دارد که نمیتواند بطور مکانیکی از یکی
بدیگری منتقل گردد . اگر عامل مکان را در نظر
بگیریم ، می بینیم که چون هر کشور یا ملتی و

بخصوص هر کشور یا ملت بزرگی دارای ویژگیهای خاص خود است، قوانین جنگ نیز برای هر کشور یا ملتی متضمن ویژگیهای خاص خود است که بهمین ترتیب نمیتواند بطور مکانیکی از یکی بدیگری منتقل گردد. در مطالعه قوانین هدایت جنگهایی که در مراحل مختلف تاریخی روی داده‌اند، جنگهایی که دارای خصالت مختلف بوده و در سرزمینهای مختلف از طرف ملت‌های گوناگون برپا شده‌اند، باید توجه خود را به ویژگیها و رشد هر يك از این جنگها معطوف داشت و از هرگونه برخورد مکانیکی بمسئله جنگ پرهیز کرد. این تمام مطلب نیست. اگر فرماندهی که در ابتدا فقط قادر به فرماندهی يك واحد كوچك بوده‌است، بتواند لیاقت فرماندهی يك واحد بزرگتر را پیدا کند، این نشانه پیشرفت و ترقی او خواهد بود. میان عمل کردن در يك محل و در محل‌های متعدد نیز فرق و تفاوت هست. بهمین ترتیب اگر فرماندهی که در آغاز فقط قادر به عمل کردن در يك محل آشنا بوده، اکنون بتواند در محل‌های متعدد عمل کند، این نشانه

پیشرفت و ترقی او خواهد بود . شرایط در مراحل مختلف يك جنگ مشخص نیز در اثر تکامل تکنیک ، تاکتیک و استراتژی دشمن و ما تغییر میپذیرد . اگر فرماندهی که ابتدا لیاقت فرماندهی جنگ را در مرحله ابتدائی آن داشته ، اینک بتواند جنگ را در مرحله عالی تر آن فرماندهی کند ، این نشانه پیشرفت و ترقی بازهم بیشتر او خواهد بود . اگر فرماندهی فقط بتواند در محل معین و مرحله معینی از تکامل جنگ واحدی را که دارای اندازه معینی است ، فرماندهی کند ، معلوم میشود که وی هیچ پیشرفت و ترقی نکرده است . بعضی ها بعلت اینکه از مهارت خود در يك زمینه خوشنود میشوند و بدید محدود خویش اکتفا میکنند ، هرگز پیشرفتی نائل نمیآیند ؛ آنها ممکن است در مکان و در زمان معین نقشی در انقلاب داشته باشند ، ولی رویهمرفته نقش بزرگ و مهمی نخواهند داشت ؛ ما نیازمند فرماندهانی هستیم که بتوانند در رهبری جنگ نقش مهمی ایفا کنند . کلیه قوانین هدایت جنگ ، بر حسب تکامل تاریخ و تکامل خود جنگ

رشد میابند . هیچ چیزی در جهان تغییرناپذیر نیست .

۲- هدف جنگ برانداختن جنگ است

جنگ ، این هیولای کشتار انسانها بدست یکدیگر ، سرانجام در اثر تکامل جامعه بشری از میان خواهد رفت ، و حتی در آینده ای که چندان دور نیست ، از میان خواهد رفت . ولی برای برانداختن جنگ فقط يك راه موجود است : بوسیله جنگ با جنگ مقابله کردن ؛ بوسیله جنگ انقلابی با جنگ ضد انقلابی مقابله کردن ؛ بوسیله جنگ انقلابی ملی با جنگ ضد انقلابی ملی مقابله کردن ؛ بوسیله جنگ طبقاتی انقلابی با جنگ طبقاتی ضد انقلابی مقابله کردن . تاریخ فقط دو نوع جنگ بخود دیده است : جنگ عادلانه و جنگ غیرعادلانه . ما موافق جنگهای عادلانه و مخالف جنگهای غیرعادلانه هستیم . کلیه جنگهای ضد انقلابی غیرعادلانه اند ، کلیه جنگهای انقلابی عادلانه اند . ما عاقبت با دستان خود بدوران جنگها در

تاریخ بشر پایان می‌بخشیم و بدون شك جنگی که ما اکنون درگیر آنیم، بخشی از این پیکار نهائی است. ولی بدون تردید جنگی که در مقابل ما قرار گرفته، بخشی از بزرگترین ورنجبارترین جنگهاست. بزرگترین ورنجبارترین جنگهای غیرعادلانه و ضد انقلابی در کمین ما نشسته است؛ اگر ما درفش جنگ عادلانه را بر نیفزاییم، مصیبتی خانمانسوز گریبانگیر اکثریت عظیم بشریت خواهد شد. درفش جنگ عادلانه بشریت درفش نجات بشریت است. درفش جنگ عادلانه چین، درفش نجات چین است. جنگی که قسمت اعظم بشریت و اکثریت قریب باتفاق چینی‌ها درگیر آوند، بیشك جنگی عادلانه است، ارزنده ترین و افتخار آمیزترین اقدام است، اقدامی است که بشریت و چین را رهائی می‌بخشد، پلی است که ما را بدوران جدیدی از تاریخ جهان میرساند. وقتیکه جامعه بشری بان نقطه از پیشرفت رسد که طبقات و دولتها زوال یابند، دیگر هیچ جنگی در میان نخواهد بود — نه جنگ ضد انقلابی و نه جنگ انقلابی؛ نه جنگ غیرعادلانه و نه جنگ عادلانه

— و این عصر صلح جاودان بشریت خواهد بود .
علاقه ما به مطالعه قوانین جنگ انقلابی از آرزوی ما
در برانداختن همه جنگها ناشی میشود و درست در همین
جاست که وجه تمایز بین ما کمونیستها و تمام طبقات
استثمارگر نمایان میگردد .

۳— استراتژی مطالعه قوانین وضع جنگ

بمشابه یک کل است

هر جا که جنگی هست ، وضع جنگ بمشابه یک کل
نیز موجود است . وضع جنگ بمشابه یک کل ممکن است
سراسر جهان را دربرگیرد ، ممکن است سراسر يك کشور
را دربرگیرد ، ممکن است يك منطقه مستقل پارتیزانی
و یا يك جبهه مستقل و وسیع عملیاتی را دربرگیرد .
هر وضع جنگی که محاسبه تمام جنبه ها و مراحل
گوناگون آنرا ایجاب کند ، تشکیل وضع جنگ
بمشابه یک کل را میدهد .

وظیفه علم استراتژی مطالعه آن قوانین هدایت
جنگ است که بر وضع جنگ بمشابه یک کل مسلطند . وظیفه

علم عملیات اهراتیو * و علم تاکتیک مطالعه آن قوانین هدایت جنگ است که بر بخشی از وضع جنگی مسلطند. چرا باید فرمانده عملیات اهراتیو یا تاکتیکی تا

حدودی از قوانین استراتژی سر رشته داشته باشد ؟

زیرا در اثر درك كل بهتر میتوان در جزء عمل

کرد ؛ زیرا جزء تابع كل است . این نظر که

پیروزی استراتژیک تنها در اثر کامیابیهای تاکتیکی

پدست میاید ، نظری اشتباه آمیز است ، زیرا این

واقعیت را نادیده میگیرد که پیروزی یا شکست جنگ

بطور عمده و در درجه اول وابسته بطرز محاسبه وضع

کلی و مراحل گوناگون آنست . اگر در محاسبه وضع

کلی و مراحل گوناگون آن نواقص و یا اشتباهات

فاحشی روی دهد ، جنگ بطور حتم بشکست می انجامد .

* منظور از عملیات اهراتیو مجموعه چندین عملیات

تاکتیکی کوچک و بزرگ است که ارتش بمنظور نیل به هدف

استراتژیک معین و طبق نقشه جنگی واحد ، در جهات و زمانهای

معین انجام میدهد . چگونگی مقیاس عملیات اهراتیو بستگی به

مقدار نیروئی دارد که طرفین بکار میاندازند . — مترجم

وقتیکه گفته میشود : "يك حرکت حساب نشده باعث باخت تمام بازی میشود" ، منظور آن حرکتی است که در وضع کلی تأثیر میگذارد ، یعنی حرکتی که برای مجموع اوضاع تعیین کننده است ، نه آن حرکتی که فقط خصلت جزء دارد و برای مجموع اوضاع تعیین کننده نیست . آنچه که در شرطنج صادق است ، در مورد جنگ هم صادق میکند .

اما وضع کلی نمیتواند مستقل و منفک از اجزاء خود باشد ، چه وضع کلی از مجموعه اجزاء خویش تشکیل می یابد . گاهی ممکن است بعضی از اجزاء ، بدون اینکه بر وضع کلی تأثیر جدی بگذارند ، دچار انهدام یا شکست شوند ، زیرا این اجزاء برای وضع کلی تعیین کننده نبوده اند . اغلب اتفاق می افتد که در عملیات تاکتیکی یا اپراتیو بعضی شکستها و یا عدم موفقیتها منجر به اختلال در وضع جنگ بمشابه یک کل میشوند ، زیرا شکستها و عدم موفقیتهای مذکور دارای اهمیت قاطع نبوده اند . اما شکست اکثر عملیات اپراتیوی که وضع جنگ بمشابه یک کل را تشکیل میدهند و یا شکست يك یا

دو عملیات اپراتیو تعیین کننده، فوراً وضع کلی را عوض
 میکند . در اینجا " اکثر عملیات اپراتیو " و یا " یک
 یا دو عملیات اپراتیو " تعیین کننده اند . در تاریخ
 جنگها دیده شده است که پس از یک سلسله فتوحات ،
 شکست در یک نبرد بتنهائی باعث از دست رفتن کلیه
 دستاوردهای قبلی شده است ، و یا پس از شکستهای
 متعدد ، پیروزی در یک نبرد بتنهائی موجب پیدایش
 وضع نوین گشته است . در موارد فوق الذکر " یک
 سلسله فتوحات " و یا " شکستهای متعدد " فقط خصیلت
 جزء داشته و هیچ نقش تعیین کننده ای در مجموع
 اوضاع بازی نمیگردند ، در صورتیکه بعکس ، " شکست
 در یک نبرد بتنهائی " و یا " پیروزی در یک نبرد بتنهائی "
 دارای نقش تعیین کننده بودند . همه اینها دلالت
 بر اهمیت محاسبه مجموع اوضاع میکند . برای کسیکه
 فرماندهی کل عملیات را بر عهده دارد ، از همه مهمتر
 عطف توجه به محاسبه وضع جنگ بمثابة یک کل است .
 نکته عمده اینستکه او باید کلیه مسایل مربوط به
 سازماندهی واحدها و فرماسیونهای نظامی خود ،

ارتباط میان عملیات اپراتیو مختلف، ارتباط میان مراحل مختلف عملیات، ارتباط میان مجموع فعالیت اردوگاه خودی و مجموع فعالیت اردوگاه دشمن را برحسب شرایط موجود بررسی کند - همه اینها مستلزم بذل دقت و کوشش بیشتر اوست و چنانچه او این مسایل را از دیده فروگذارد و خود را با مسایل درجه دوم مشغول سازد، بسختی میتواند از شکست برکنار بماند.

رابطه میان کل و جزء نه تنها در مورد رابطه بین

استراتژی و عملیات اپراتیو بلکه در مورد رابطه
میان عملیات اپراتیو و تاکتیکی نیز صادق است.

مثال عملی آن عبارتست از رابطه میان عملیات یک لشکر و عملیات هنگها و گردانهایش، یا رابطه میان عملیات یک گروهان و دسته‌ها و جوخه‌هایش. افسر فرمانده، در هر مقامی که باشد، باید توجه خود را بمسایل یا کارهایی معطوف سازد که در مجموع وضعیتی که مسئولیتش بعهده اوست، مهمترین و قاطع‌ترین نقش را ایفا کند، نه بمسایل یا کارهای دیگر.

برای تعیین اینکه چه چیز مهم و یا تعیین‌کننده

است ، نباید شرایط کلی یا مجرد را مأخذ گرفت ،
بلکه باید شرایط مشخص را مبداء بررسی قرار داد .
در هر عملیات نظامی سمت و نقطه هجوم را باید طبق
وضعیت دشمن ، موقعیت زمین و قدرت نیروهای
خودی در همان لحظه انتخاب کرد . در مناطقی که
خواربار فراوان است ، باید مراقب بود که سربازان در
مصرف افراط نکنند و در مناطقی که خواربار کافی
نیست ، باید توجه کرد که سربازان گرسنه نمانند .
در مناطق سفید درز کردن حتی کمی اطلاعات ممکن
است موجب شکست پیکارهای بعدی گردد ، حال
آنکه این امر در مناطق سرخ غالباً مسئله زیاد جدی
نیست . در بعضی نبردها ضرور است که فرماندهان
عالیرتبه شخصاً در آن شرکت کنند ولی در برخی دیگر
ضرورتی ندارد . در يك مدرسه نظامی مهمترین مسئله
عبارت است از انتخاب مدیر و معلم و تعیین يك رهنمود
آموزشی . در مورد يك میتینگ توده‌ای بسیج توده‌ها
برای شرکت در آن و طرح شعارهای مناسب دارای
اهمیت خاص است ، وغیره و غیره . در يك کلام ،

اصل کلی اینست که باید توجه خود را روی آن حلقه‌های مهمی متمرکز سازیم که مجموعه اوضاع وابسته بآنهاست .

یگانه راه مطالعه قوانین مسلط بر وضع جنگ بمثابه یک کل تفکر و تعمق است. زیرا آنچه که با مجموع اوضاع در ارتباط است ، با چشم قابل رویت نیست و ما نمیتوانیم آنها را در یابیم مگر آنکه عمیقاً درباره اش بیاندیشیم ؛ راه دیگری موجود نیست . اما از آنجا که کل مرکب از اجزاء است ، کسیکه در اجزاء تجربه دارد ، در عملیات اپراتیو و در تاکتیک تجربه دارد ، میتواند مسایل عالیتری را بفهمد مشروط باینکه واقعاً بخواهد عمیقاً درباره آنها بیاندیشد . مسایل استراتژی شامل مراتب ذیلند :

در نظر گرفتن مناسبات میان دشمن و ما ؛

در نظر گرفتن رابطه میان عملیات اپراتیو مختلف

و یا میان مراحل مختلف عملیاتی ؛

در نظر گرفتن آن عناصری که در مجموع اوضاع

مؤثرند (و یا نقش تعیین کننده دارند) ؛

در نظر گرفتن جنبه‌های ویژه اوضاع عمومی ؛
 در نظر گرفتن رابطه میان جبهه و پشت جبهه ؛
 در نظر گرفتن تفاوت و ارتباط میان تلفات و ترمیم ،
 میان نبرد و استراحت ، میان تمرکز و پخش
 نیروها ، حمله و دفاع ، پیشروی و عقب نشینی ،
 استتار و انکشاف ، حمله عمده و حمله کمکی ، هجوم
 بدشمن و تثبیت دشمن ، تمرکز و عدم تمرکز فرماندهی ،
 جنگ طولانی و جنگ زود فرجام ، جنگ موضعی و جنگ
 متحرک ، نیروهای خودی و نیروهای دوست ، این
 رسته و آن رسته ، مافوق‌ها و مادون‌ها ، کادرها و
 سپاهیان ، سربازان قدیمی و سربازان جدید ، کادرهای
 مافوق و کادرهای مادون ، کادرهای قدیمی و کادرهای
 جدید ، مناطق سرخ و مناطق سفید ، مناطق سرخ قدیم و
 مناطق سرخ جدید ، مناطق مرکزی و مناطق مرزی ، موسم
 گرما و موسم سرما ، شکست و پیروزی ، واحدهای بزرگ
 و واحدهای کوچک ، ارتش منظم و واحدهای پارتیزانی ،
 نابودی دشمن و جلب توده‌ها ، توسعه صفوف ارتش
 سرخ و تحکیم آن ، کار نظامی و کار سیاسی ، وظایف

گذشته و وظایف کنونی ، وظایف کنونی و وظایف آینده ، وظایف در این شرایط و وظایف در شرایط دیگر ، جبهه ثابت و جبهه غیر ثابت ، جنگ داخلی و جنگ ملی ، این مرحله تاریخی و آن مرحله تاریخی و غیره . هیچیک از این مسایل استراتژی را نمیتوان با چشم مشاهده کرد ، معذک اگر انسان عمیقاً بیاندیشد ، میتواند همه این مسایل را روشن سازد ، در یابد و بر آنها مسلط گردد ، بسخن دیگر ما میتوانیم کلیه مسائل مهم جنگ یا عملیات نظامی را بسطح عالی تر اصولی ارتقا دهیم و در آنجا حل کنیم ، وظیفه ما در مطالعه مسائل استراتژی نیل باین هدف است .

۴- مهم اینست که بتوانیم یاد بگیریم

چرا ما ارتش سرخ را تشکیل دادیم ؟ برای اینکه بوسیله آن دشمن را در هم بکوبیم . چرا ما قوانین جنگ را مطالعه میکنیم ؟ برای اینکه بتوانیم آنها را در جنگ بکار ببریم .

آموختن دشوار است ، ولی از آن دشوارتر
آموخته را بکار بستن است . هستند بسیاری که در
کلاسهای درس و یا در کتابها هنگام بحث درباره
علم نظام صاحب نظر و صالح بنظر میرسند ، ولی وقتی که
جنگی در بگیرد ، برخی از آنها پیروز میشوند و برخی
دیگر شکست میخورند . تاریخ جنگها و تجربه خود ما
از جنگ مؤید این مطلب است .

پس کلید حل این مسئله در کجاست ؟
ما در زندگی واقعی نمیتوانیم متوقع باشیم که
”سرداران همیشه پیروزند“ باشند . تاریخ از اینگونه
سرداران بخود بسیار کم دیده است . توقع ما از
سردارانمان اینست که دلیر و باتدبیر باشند و در جریان
جنگ بطور کلی پیروز گردند - سردارانی که بصیرت
و شجاعت را یکجا داشته باشند . کسی که میخواهد
صاحب بصیرت و شجاعت باشد ، باید شیوه‌ای برای
خود برگزیند - شیوه‌ای که باید هم در آموختن بکار
برد و هم در استفاده از آنچه آموخته شده است .
این شیوه چیست ؟ این شیوه عبارتست از آشنائی

با تمام جنبه‌های وضعیت دشمن و وضعیت خود، کشف قوانین حاکم بر عملیات دو طرف و بکار بردن آنها در عملیات خود.

در آئین‌نامه‌های نظامی بسیاری از کشورها توصیه‌هایی درباره ضرورت "نرمشی در بکار بردن اصول برحسب شرایط" و همچنین راهنمایی‌هایی درباره اتخاذ تدابیر لازم در موقع شکست دیده میشود. توصیه‌ها افسر فرمانده را از خطاهای ذهنی که ممکن است ناشی از بکار بردن مکانیکی اصول باشد، بر حذر میدارند و راهنمایی‌ها نشان میدهند که اگر فرماندهی مرتکب خطای ذهنی شد و یا اگر تغییرات غیرقابل پیش‌بینی و اجتناب‌ناپذیر در وضعیت عینی روی داد، چگونه باید عمل کرد.

چرا خطاهای ذهنی روی میدهند؟ زیرا که طرز آرایش و هدایت نیروها در يك جنگ یا يك نبرد با شرایط زمان و مکان تطبیق نمیکند، رهبری ذهنی با شرایط عینی منطبق نیست و یا با آن مغایرت دارد، بسخن دیگر، زیرا تضاد بین ذهن و عین حل